

مداخله پلیس فتا در فضای مجازی برای حفاظت از اطلاعات مردم است



فرمانده نیروی انتظامی با بیان اینکه در شبکه‌های اجتماعی موبایلی، همه تصور می‌کنند که اگر پلیس در مورد وایبر و غیره صحبت می‌کند، می‌خواهد مردم را از مزیتی محروم سازد، گفت: تمام باند‌های قاچاق مواد مخدر و ترور یبستی جهان به این فضا کوچ کرده و از این شبکه‌ها برای تحقق اهداف شوم خود استفاده می‌کنند.

به گزارش خبرنگار مسا، سردار احمدی مقدم که در حاشیه افتتاح ساختمان جدید پلیس فتا در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت، با تأکید بر اینکه ۹۵ درصد از اقدامات پلیس فتا به نفع مردم است، اظهار کرد: ۵ درصد دیگر نیز غیر مستقیم به نفع مردم می‌شود و ما با محافظت از شبکه‌های واز تخانه‌ها، مانند نفت و بانک‌ها و اموال و اطلاعات آنان حفاظت می‌کنیم.

فرمانده ناجا در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران درخصوص اینکه منظور پلیس از اشراف اطلاعاتی چیست، گفت: برخی تصور می‌کنند وقتی می‌گوییم اشراف اطلاعاتی، یعنی سرک کشیدن به حریم خصوصی مردم، بلکه مداخله پلیس فتا در فضای مجازی، حفاظت از اطلاعات مردم است و پلیس بر اطلاعات دشمنان، مجرمان و تبهکاران اشراف دارد و این اقدام برای حفظ امنیت شهروندان است.

آیا گوشی تلفن همراه را از قتل را خواهد گشود؟

کشف جسد مرد میانسانی که به طرز مرموزی کنار خیابانی در شرق تهران رها شده، پرونده تازه‌ای است که روی ماینز پیرس گشوده شد. به گزارش خبرنگار ما، به‌مداد دیروز مأموران کلانتری نیرد در جریان کشف جسد مردی کنار خیابانی در حوالی کلانتری قرار گرفتند. مأموران پلیس در محل حادثه با جسد مردی حدوداً ۳۰ساله روبه‌رو شدند. پس از این قاضی حسین پوربازپرس ویژه قتل از دادسرای جنایی به همراه کارآگاهان مبارزه باقتل پلیس آگاهی در محل حاضر شدند. کارآگاهان در نخستین بررسی‌ها متوجه شیارهایی روی گردن مرد میانسال شدند که نشان می‌داد احتمالاً وی به وسیله طنابی خفه شده است. کارآگاهان در بررسی‌های میدانی یک گوشی تلفن همراه کشف کردند. همچنین تیم جنایی در بررسی جسد هیچ مدرک شناسایی کشف نکردند. بنابراین جسد با هویت نامشخص برای انجام آزمایش‌لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به دستور قاضی حسین پور به پزشکی قانونی فرستاده شد. تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

تصادف آتشین پراید و وانت نیسان

راننده و سرنشین نیسان در تصادف با خودروی پراید که حوالی بندر عباس اتفاق افتاد، در آتش سوختند.

تحقیقات پلیس بعد از حادثه نشان داد که خودروی وانت نیسان بعد از حادثه دچار آتش‌سوزی شده و راننده و سرنشین آن در آتش سوخته‌اند. سرهنگ «علی مجیدزاده» رئیس پلیس راه مرز گان گفت: راننده پراید هم که به شدت مجروح شده بود، بر اثر بیماری برستان شد. علت حادثه در دست بررسی است.

اشتباه مادر مرگ کودک را رقم زد

نوزاد ۹ ماهه بر اثر اشتباه مادر در استفاده از شربت متادون به جای شربت سرماخوردگی فوت شد.

به گزارش ایرنا، مأموران پلیس شهرستان قوچان از مرگ مشکوک دختر بچه‌ای ۹ ماهه در بیمارستان موسی بن جعفر(ع) با خبر شدند و دست به تحقیق زدند. بررسی‌ها نشان داد مادر دو کودک ۹ ماهه و دو و نیم‌ساله به فرزندخان خود به صورت اشتباه از شیشه مخصوص شربت سرماخوردگی که قبلاً با متادون پر شده بود، مقداری شربت خورانه است. بر اثر این اشتباه، فرزند ۹ ماهه فوت شد و فرزند دو و نیم‌ساله نیز در بیمارستان بستری است. تحقیقات نشان داد مادر خانواده مصرف‌کننده شربت متادون است.

سرهنگ علی حیرانی فرمانده انتظامی قوچان گفت: بررسی‌های بیشتر در این باره ادامه دارد. متادون داروی مخدر صنعتی است که به عنوان یک داروی نگهدارنده برای مهار اعتیاد استفاده می‌شود. استفاده از این دارو برای کودکان با خطر مرگ همراه است.

مصدومیت ۱۸دانش آموز دختر در ریزش دیوار مدرسه

سختگوی اورژانس کشور از مصدومیت هشت دانش آموز دختر در ریزش آوار در یکی از مدارس غرب تهران خبر داد.

مجتبی خالقی به ایستگاه گفت: روز گذشته امدادگران اورژانس بعد از اطلاع از وقوع حادثه در دبیرستان دخترانه محقق در بلوار فردوس شرقی در محل حاضر شدند و شروع به امداد رسانی کردند. وی ادامه داد: برابر آمارهای اولیه، هشت دانش آموز دچار مصدومیت شده‌اند. وی به جزئیات بیشتری اشاره نکرد.

بازگشت دزد طلا فروشی مولوی به محل سرقت

یکی از سارقان طلافروشی مولوی که به محل سرقت بازگشته بود، بازداشت شد. سرهنگ سیف‌الله نوابی، رئیس کلانتری ۱۶ مولوی به باشگاه خبرنگاران گفت: چندی قبل سارقان به یکی از طلافروشی‌های خیابان مولوی دستبرد زدند و از محل گریختند. در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت، روز گذشته مأموران گشت کلانتری به مردی که نزدیکی همان طلافروشی در حال پرسه‌زنی بود، مظنون شدند و به او فرمان ایست دادند.

مرد مظنون با بدون توجه به هشدار پلیس از محل گریخت اما سرانجام بازداشت شد. مأموران در بازرسی از متهم که خودش را همایون معرفی کرد، دو قوطی گاز اشک‌آور و یک قمه کشف کردند.

بعد از آن صاحب طلافروشی با حضور در کلانتری، همایون را به عنوان یکی از سارقان شناسایی کرد و گفت: او روز حادثه با قمه شیشه مغزآم‌د را شکست و با همدستی دوستانش سرقت کرد و گریخت. تحقیقات در این باره ادامه دارد.

زنی که بعد از دستبرد به خانه خواهرزاده‌اش خود را جن معرفی کرده و با اخاذی از شاکی موفق به خرید دو خانه در زاهدان شده بود، به جرم خود اقرار کرد.

مدتی قبل مأموران پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان از دستبرد به یکی از خانه‌های باخبر شایر شدند و دست به تحقیق زدند. شاکی که زن جوانی بود، گفت: امشب برای میهمانی به خانه یکی از بستگان رفتم. وقتی به خانه برگشتم متوجه به هم ریخته شدن خانه شدم و فهمیدم که دزد به خانه زده و ۲۵میلیون تومان طلا، پول نقد و ارز از خانه سرقت شده است. بررسی مأموران پلیس نشان داد که آثار تخریب روی در و قفل‌ها وجود ندارد و سارق از آشنایان است که به راحتی وارد خانه شده و بعداز سرقت گریخته است. مدتی بعد از حادثه و در حالی که

بررسی‌ها ادامه داشت، شاکی بار دیگر به پلیس مراجعه کرد و گفت: بعد از سرقت از خانه‌زم ناشناسی با تلفن همراه تماس گرفت و خودش را جن معرفی کرد. او نشانی محلی را به من داد و گفت طلاهایی که سرقت شده آنجا دفن شده است. جن از من خواست بعد از برداشتن طلاها،م ۲۵ میلیون تومان در همان چاله دفن کنم و ماجرا را به پلیس هم خبر ندمم وگرنه سر سرن و اعضای خانواده‌ام بلا نازل می‌کند. من هم از ترس تسلیم خواسته او شدم و پول را در جایی که گفته بود گذاشتم. در حالی که تصور می‌کرد همه چیز تمام شده است، جن امروز بار دیگر تماس گرفت و خواست ۳۰ میلیون تومان پول در همان چاله بگذارم. این بار تسلیم او نشدم و تصمیم گرفتم از پلیس کمک بگیرم.

تعمیر کار آسانسور سرانجام لب به اقرار گشود

حبس کردن ۳روزه کودک خردسال در چاله آسانسور

تعمیر کار آسانسور که متهم است دو سال قبل کودکی خردسال را برای اخاذی ۵۰ میلیون تومانی از خانواده‌اش ۳روز در چاله آسانسور حبس کرده بود، دوماه قبل بازداشت و لب به اعتراف گشود.

سرنخ

پس از آزادی دختر بچه مأموران پلیس تحقیقات خود را برای مرد آدم‌ریا ادامه دادند تا اینکه مأموران در تحقیقات تخصصی خود به دپای مردی به نام فرید رسیدند. در حالی که تحقیقات نشان می‌داد فرید در کار سرویس آسانسور است و مدتی هم سرویس آسانسور ساختمان محل سکونت شاکی را به عهده داشته است، مأموران پلیس او را بازداشت و مورد بازجویی قرار دادند. فرید در بازجویی‌ها منکر آدم‌ریایی شد و اناهیتا هم بعد از دیدن فرید اعلام کرد که او مرد آدم‌ریاست. بنابراین مأموران پلیس تحقیقات خود را در شاخه دیگری ادامه دادند تا اینکه متوجه شدند مرد جوانی به نام شهروز چندبدر به عنوان کمک به فرید، آسانسور این ساختمان را تعمیر کرده است. از سوی دیگر معلوم شد شهروز از بستگان نزدیک فرید است، بنابراین کارآگاهان دو ماه قبل شهروز را به عنوان مظنون اصلی این حادثه بازداشت کردند.

بازداشت

متهم در بازجویی‌ها منکر آدم‌ریایی شد اناهیتا وقتی با او روبه‌رو شد وی را شناسایی کرد و گفت روز حادثه این مرد را او ربوده و داخل چاله آسانسور برده است. سرانجام شهروز صبح دیروز که متوجه شد چرا می جز اقرار ندارد به ادم‌ریایی اعتراف کرد و گفت: تازه ازدواج کرده بودم که با مشکل مالی روبه‌رو شدم. در حالی که همسرم باردار بود زندگی‌های هر روز سخت‌تری می‌شد. به طوری که همسرم درخواست طلاق داده بود. همسرم گفت که بهتر است با این مشکلات بچه را سقط کنیم و هر شرط گذاشت در صورتی با من زندگی می‌کند که سقط کند و من هم قبول کردم اما بعد از سقط زیر قولش زد و از من جدا شد. وی ادامه داد: مدت‌ای کارت سبروسویس آسانسور چاپ کردم و در ساختمان‌هایی که آسانسور داشتند، پخش کردم تا در آمدی کسب کنم تا اینکه چند باری به عنوان کمک‌ی فرید برای سرویس آسانسور به این ساختمان رفتم و احتمال دادم که پدر اناهیتا پولدار است، به همین خاطر نقشه آدم‌ریایی اناهیتا را طراحی کردم تا یک شبه پولدار شوم. روز حادثه با توجه به شناختی که از ساختمان داشتم وارد ساختمان شدم.

اناهیتا در یک دستش کیف مدرسه و در دست دیگرش نایلونی بود که به لوئز دیک ندم و ناگهان دهانش را گرفت و یادست دیگرم با اچار مخصوصی که داشتم در آسانسور راباز کردم و اناهیتا را به داخل چاله بردم دهان و دست و پایش را با طناب و چسب بستم. ساعتی بیش او بودم تا اینکه از چاله بیرون آمدم و نامه‌ای را خطاب به پدر دختر خردسال نوشتم و برای آزادی‌اش در خواست ۵۰ میلیون تومان پول کردم. دوباره به چاله برگشتم و روز بعد دوباره از بیرون با پدر اناهیتا تماس گرفتم و تهدید کردم تا پول را به من بدهد. سه روز از حادثه گذشته بود اما موفق نشدم پولی به دست بیاورم و فهمیدم مأموران پلیس در جست‌وجوی من هستند به همین خاطر از ترس دختر کوچک را داخل چاله آسانسور‌ها کردم و به خانه رفتم. وی در پایان گفت: فکر نمی‌کردم بعد از دو سال مأموران پلیس مرا شناسایی و دستگیر کنند. تحقیقات از متهم به دستور قاضی احمد بیگی بازپرس ویژه قتل دادسرای جنایی پایتخت ادامه دارد.



می‌شد تا اینکه خوابم گرفت وقتی از خواب بیدار شدم آن مرد را دوباره داخل چاله آسانسور دیدم. او مقاری کبک و بسکویست به من داد و بعد دوباره دهانم را بست. مدتی او پیشم بود تا اینکه دوباره ناپدید شد. در حالی که از شدت وحشت خواب نمی‌رمی تر تلاش کردم تا چسب دهانم را باز کنم و از همسایه‌ها کمک بخواهم. آنقدر دهانم را به دیوار چاله کشیدم تا چسب دهانم باز شد. پس از این با دیو فرید کمک خواستم و ساعتی بعد دیدم در آسانسور باز شدم وقتی مدرم را کنار آسانسور دیدم، انگار دنیا را به من داده بودند.

اقرار زن و مرد خیانتکار

به جنایت

زن میانسانی که متهم است یک سال قبل با همدستی مرد مورد علاقه‌اش شوهر خود را به قتل رسانده بود، سرانجام به جرم خود اقرار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، صبح ششم آذر ۹۲ مأموران کلانتری باغ فیض از حادثه آتش‌سوزی یک تاکسی سمند زرد رنگ در خیابان ابوذر قرار گرفتند و در محل حاضر شدند.

آتش‌نشانان بعد از خاموش کردن آتش اعلام کردند داخل صندوق عقب خودرو، جسد مرد میانسانی را کشف کردند که در ناحیه پشت سر دچار سگستگی شده بود. پس از حضور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. بعد از بررسی پلاک سمند مشخص شد خودرو متعلق به مقتول - مجید ۴۷ساله- است که همه‌ا اعضای خانواده‌اش در کرج زندگی می‌کرد. در بررسی‌های بیشتر هم مشخص شد خانواده مقتول یک روز پس از ناپدید شدن وی، پلیس را از ماجرای ناپدید شدن او با خبر کرده بودند. همسر مقتول که مریم نام داشت وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: شوهرم سرویس مدرسه بود. ساعت

۵صبح روز چهارم آذر، طبق روال هر روز از خانه خارج شد اما دیگر برگشت. به خاطر همین پلیس را از ماجرا باخبر کردیم. کارآگاهان در چند مرحله تحقیق از خانواده مقتول دریافتند که مریم با شوهرش اختلاف داشت و چند بار در خواست طلاق داده بود اما مقتول مخالفت می‌کرد.

کارآگاهان پس از گذشت چند ماه به پسردایی ۵۰ساله مریم مظنون شدند و از او بازجویی کردند. تحقیقات نشان داد که حسین مدتی قبل در حالی که صاحب سه فرزند بود از همسرش طلاق گرفته بود. آنها احتمال دادند که حسین با همدستی مریم شوهر را به قتل رسانده است. کارآگاهان سرانجام دوم اسفند حسین و مریم را دستگیر کردند. آنها در تحقیقات اولیه قتل را انکار کردند اما در بررسی‌های بیشتر به قتل اقرار کردند. حسین در توضیح ماجرا گفت: من و مریم از زمان مجسردی به هم علاقه‌مند خیر کرده بودمند.

همسر مقتول که مریم نام داشت وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: شوهرم سرویس مدرسه بود. ساعت

حجوات

سرویس حوادث ۸۴۹۸۴۳۵

جن طمعکار خواهرزاده شاکی بود

بعد از اظهارات شاکی، کارآگاهان پلیس او را تحت آموزش‌های فنی قرار دادند و در فراری ساختگی موفق شدند زن ۶۰ساله‌ای را بازداشت کنند. او گفت از سوی زن دیگری برای بردن پول اجیر شده است. بعد از آن بود که کارآگاهان راهی مخفیگاه آن زن شدند و او را همراه سه نفر دیگر بازداشت کردند. شاکی با دیدن متهم، او را به عنوان خاله‌اش شناسایی کرد. خاله شاکی در بازجویی‌ها به سرقت و اخاذی از خواهرزاده‌اش اقرار کرد و گفت با پول‌های سرقتی در زاهدان برای خودش دو خانه خریده است. سرهنگ ابراهیم ملاشاهی، رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان به شهروندان توصیه کرد از نگهداری اموال با ارزش و پول نقد در منزل خودداری و اموال خود را در بانک‌ها و صندوق امانات نگهداری کنند.

مناگاه

مصطفی آب‌روشن*

پلیس سنتی

در مبارزه با جرم موفق نیست

هر کدام از نقش‌های اجتماعی با توجه به سه عرف و ضرورت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و به شکل نظام‌مند سازماندهی می‌شود. در طبقه‌بندی اقدامات پلیسی در جهت پیشگیری و مبارزه با جرائم، چهار رویکرد مختلف را می‌توان دسته‌بندی کرد که هر عملگردی، تحت عنوان یک الگوی پلیسی، روشی ویژه را در محبت پیشگیری و مبارزه با روند جرم در پیش می‌گیرد. در واقع پیشگیری مجموعه اقداماتی است که پیش، هنگام و پس از وقوع جرم، با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات بعدی یا کاهش آثار زاینبار آن انجام می‌شود.

رویکرد سنتی به این واقعیت اشاره دارد که پلیس باید به عنوان ضابط دستگاه عدالت کیفری مطرح بوده تا به عنوان مجری قانون، نقش شناسایی و دستگیری مجرمین را در پیشگیری از جرائم ایفا کند. در واقع این پیشگیری که پلیس را بازوی محرک نظام قضایی معرفی می‌کند، متکی بر لزوم کشف جرم، دستگیری مجرمین و در صورت لزوم، اجرای مجازات در مورد آنهاست تا بدین طریق جنبه اراعی و بازدارندگی مجازات‌ها تقویت شود. رویکرد پلیس سنتی برای مقابله با جرم عموماً رویکردی واکنشی و استفاده از کیفرهای متفاوت، در راستای اجرای حقوق تنبیهی پس از وقوع جرم بوده است که متناسبانه توفیق چندانی نداشته است. به عبارتی در این نوع نگرش وظیفه امنیت جلوگیری از تکاب جرائم، فدای تعهد به رسیدگی به شکایات و اجرای مجازات شده که به اندازه کافی وقت و بودجه یگان‌های انتظامی را به خود اختصاص می‌دهد.

الگوی دیگر پلیس تمرکز بر جغرافیای جرم خیزی است. به عبارتی در الگوی پلیسی متمرکز بر مناطق جرم خیز، بر لزوم تمرکز منابع مادی، انسانی و مالی پلیس نسبت به نواحی اوده و مناطقی که از منظر جغرافیایی جرم، آسیب‌پذیرتر است، تأکید دارد که راهبردهای اصلی خود را افزایش گشت انتظامی در کلون‌های جرم، تمرکز بر مجرمین شرور و سابقه‌دار تعیین کرده است. به عبارتی پلیس موظف است که در ابتدا موقعیت‌های خاص و مناطق ویژه حوزه استحفاظی‌اش را که زمینه‌های ظهور و بروز جرم و رخداد جرائم در آنها بیشتر بوده، شناسایی کرده و در آخر هم منابع خود را به آن نقاط و اماکن اختصاص دهد تا گامی به مسیر کنترل جرم و

پیشگیری از وقوع آن برداشته باشد.

الگوی پلیس مسئله محور، بر لزوم شناسایی دقیق و کامل تمام ابعاد پدیده مجرمانه به منظور انجام اقدامات مناسب برای پیشگیری و کنترل جرائم تأکید دارد. به عبارتی در این روش پلیس می‌تواند بسا بهره مندی از آموزه‌های جامعه‌شناسانه و تحلیل مسائل مجرمانه و ناھنجار، فرصت‌های مجرمانه را شناسایی و راهکارهایی را برای حذف یا محدود کردن این عوامل تعیین و اجرا کند. در این شیوه با نگاهی ویژه و جامع، عوین‌های بی‌نظمی و ناھنجاری‌های اجتماعی واکاوی می‌شود. در واقع به شناخت ایجاد شده در خصوص عوامل وقوع جرم یا بی‌نظمی، ناھنجاری و همچنین ویژگی‌های کمی و کیفی مسئله، پلیس می‌تواند در قدم بعدی تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه مناسب‌تری از وقوع جرائم و ناھنجاری اتخاذ کند اما در نگرش پلیس نوین بسا جامعه محور، این نهاد از نقش در ینه خود که به عنوان مجری محض قوانین کیفری است، فراتر رفته است. در واقع الگوی پلیس جامعه محور یکی از این الگوهای نوین است که بر لزوم گسترش تعامل پلیس و مردم، افزایش سطح مشارکت مردم با پلیس و لزوم اصلاح و بهبود رفتار مأموران پلیس با مردم، به عنوان راهبردهای اساسی در امر پیشگیری و کنترل جرائم تأکید می‌کند.

در این الگوی بازبرفته شده، پلیس علاوه بر مراجعه به جامعه، از مهارت و توانایی سرمایه‌های اجتماعی نهفته در شهروندان به منظور تقویت و برقراری نظم و امنیت استفاده می‌کند. در این نگرش نوین، پلیس خود را از حصار و برج و باروهای یگان‌های انتظامی خارج کرده و در لایه‌های مختلف جامعه حضور فعال و چشمگیر دارد که بر همین اساس، ایجاد مرکز نظارت‌های هماگنی، افزایش نگاهبان‌ها در سطح محلات، تشکیل کمیته‌های دانش آموزی در قالب همیار پلیس و اخیراً جذب پلیس افتخاری از موارد این الگوی نگرشی است

و بدیهی است که حضور گسترده پلیس در سطح جامعه ضمن آنکه از لحاظ عینی باعث افزایش ضریب نظم و امنیت می‌شود، از لحاظ ذهنی و روحی نیز باعث افزایش ضریب احساس امنیت در نزد افراد جامعه خواهد شد.

اعتماد به پلیس، یکی از مهم‌ترین و بسا ارزش‌ترین شاخص‌های عملکرد پلیس است. در واقع اعتماد به عملکرد پلیس انعکاسی از جامعه محسوری پلیس و پاسخ‌های شهروندان به اعتماد اجتماعی است. بدیهی است که نظام‌های اجتماعی در فرآیند یاد شده وظیفه نهادی بر عهده دارند که به نوعی در هم تنیده هستند. به عبارتی اولین وظیفه ذاتی پیشگیری از وقوع فرآیند مجرمانه و در مرحله بعد، کنترل‌های اجتماعی اول که همان حذف انگیزه‌ها و فرصت‌های مجرمانه است موفق عمل کند، نظارت‌های بعدی بی‌اثر تلقی می‌شود. به بیان دیگر جامعه باید امکان و فرصت‌های برابر جهت خود شکوفایی شهروندانش را مهیا کند و در همین راستا هنجارهای حاکم بر جامعه را در روندی فرهنگی باز تولید و به تأیید مجدد برساند تا اهداف مشترک و ارزشی در درون افراد نهادینه شود. در واقع این خودکنترلی درونی و وجدان کردن ارزش‌های مشترک بهترین راهکار عملی برای انتظام اجتماعی در همه جوامع نظام‌مند است. پس نظم اجتماعی هر قدر نگرش‌های شهروندان را همسو با ارزش‌های پذیرفته شده اجتماعی سوق دهد، به همان میزان هم هزینه‌های نظارت بیرونی و پلیس در جامعه کاهش پیدا می‌کند.

***جامعه‌شناس و عضو انجمن جرم‌شناسی ایران**